



رهیافت‌های علامه نراقی در گونه‌شناسی مشکلات علمی

محسن قاسم‌پور*

چکیده:

در میان عالمان علوم اسلامی گذشته، کسانی به دلیل نبوغ ویژه خود، در شاخه‌های مختلف علمی تبحر داشته‌اند. این احاطه از دانش‌های عقلی و ریاضی و فلسفی گرفته تا آگاهی بر دانش‌های نقلی و تاریخی را شامل می‌شده است. مرحوم علامه محقق مولی محمد مهدی نراقی از جرگه این عالمان به شمار می‌رود. به دلیل وسعت آگاهی علمی او، اثری در خور توجه در این زمینه از ایشان باقی مانده که به *مشکلات العلوم* نامبردار است. از دیدگاه این عالم، گونه‌شناسی مشکلات علمی در شاخه‌های گوناگون نشان می‌دهد دانش‌های تفسیر، حدیث، ریاضیات و ادبیات گستره وسیعی از دشواری‌هایی است که باید بدان اهتمام ورزید. این مقاله، کاوشی است در بررسی طرح و تنوع مشکلات مذکور از دیدگاه علامه نراقی. بررسی‌ها نشان می‌دهد نراقی در برخی موارد پاسخ‌های

رهیافت‌های
علامه نراقی
در گونه‌شناسی
مشکلات علمی



* استادیار دانشگاه کاشان

ابتکاری به این مشکلات داده و در بسیاری از مواضع نیز پاسخ‌های او در لابلای آثار پراکنده اندیشمندان دیگر نهفته است.

کلیدواژه‌ها:

نراقی، کاشان، مشکلات العلوم، تفسیر، حدیث، ریاضیات، ادبیات.

مقدمه

ملا محمد مهدی ابن ابوذر نراقی، از عالمان بزرگ اواخر سده یازدهم و اوایل سده دوازدهم هجری است. او در نراق متولد شد. دوران تحصیل خود را در نهایت سختی و تنگدستی در اصفهان گذراند. شرح حال‌نگاران، سخت‌کوشی او را در فراگیری دانش مورد تصریح قرار داده‌اند به گونه‌ای که تحصیل علم و دانش، اولویت اصلی او در زندگی بوده است. در این زمینه نوشته‌اند که وی حتی نامه‌هایی را که از نراق می‌رسید، باز نمی‌کرد مبادا که در آن چیزی باشد که توجه او را از فراگیری و آموختن باز دارد. وقتی پدر او توسط عوامل حکومتی وقت به قتل رسید، بستگان او برایش نامه‌ای نوشتند تا در مراسم پدر شرکت کند، اما در پی بی‌اعتنایی نراقی به آن نامه، نامه‌ای دیگر برای استاد وی نوشتند و ماجرا را شرح دادند. آن‌گاه استاد با قیافه‌ای غمگین نزد نراقی رفت، و نراقی ماجرا را از او سؤال کرد و استاد به او گفت: پدرت مریض است و باید به دیار خود بروی. در نهایت به شهر خود رفت اما بیش از سه روز در آنجا نماند و بلافاصله به اصفهان بازگشت. (ر.ک: علم اخلاق اسلامی، ص ۳۲)

ملا احمد نراقی، فرزند نراقی، در پشت جلد کتاب *لؤلؤ البحرين* مرحوم یوسف بحرانی، زندگی مختصری از او نوشته است که به نظر می‌رسد استوارترین اطلاعات در مورد ملا محمد مهدی نراقی باشد. میرزا احمد تنکابنی در *قصص العلماء*، احمد بهبهانی در *مرآت الاحوال جهان‌نما*، ملا حبیب‌الله شریف کاشانی در *لباب الالتساب* و محمدحسین زنوزی در *ریاض الجنة*، نیز هر کدام به فراخور خویش، ابعاد و جنبه‌های زندگی او را مورد بررسی قرار داده‌اند. تنکابنی در ریاضیات او را تا بدان

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره ششم
بهار و تابستان ۱۳۸۹



مایه و پایه بالا برده که با وصف «دارای ید طولایی بوده»، او را توصیف کرده است.
(قصص العلماء، ص ۱۳۲)

۱. زندگی علمی نراقی در اصفهان

اصفهان، یکی از شهرهایی است که بخش وسیعی از زندگی علمی ملا محمد مهدی نراقی در آنجا رقم خورده است. حوزه علمیۀ اصفهان از مهم‌ترین حوزه‌های علمی شیعی است که به‌ویژه پس از رسمی شدن مذهب تشیع در دوره صفویه و انتقال پایتخت به آنجا، بسیار تأثیرگذار شد. در این باره نمی‌توان از نقش عالمانی نظیر بهاء‌الدین عاملی، محمدتقی مجلسی، ملا صدرا، ملا محسن فیض کاشانی، سید ماجد بحرانی، ملا صالح مازندرانی و افراد بسیار دیگری که هر کدام در بالندگی این حوزه سهم درخور توجهی را داشته‌اند، چشم‌پوشی کرد. (ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، ۴۰۷/۱۴)

ملا محمد مهدی نراقی در روزگار خود، از محضر دانشمندانی مانند ملا اسماعیل ابن محمد حسین خواجویی (متوفی ۱۱۷۳)، محمد ابن حکیم حاج محمد زمان و محمد هرنندی استفاده کرده است. نراقی از ملا اسماعیل خواجویی^۱ بهره‌های وافری به‌ویژه در دانش ریاضیات برگرفت. (لباب الالقب، ص ۹۲؛ قصص العلماء، ص ۱۳۲)

تأثیر علمی این متفکران در رشد و ارتقای علمی نراقی تا حدی بوده است که ملا حبیب‌الله شریف کاشانی، او را از این نظر، جامع جمیع علوم عقلی و استاد «کل فی الكل» معرفی کرده است. این عالم بر آن بوده که اگر کسی نراقی را «بحر العلوم» هم بداند، سخنی به گراف نگفته است. (همان‌جا) در بخش مربوط به ریاضیات و علم نجوم و هیئت نیز که به هر حال وابسته به علوم عقلی است، اطلاعات نراقی در حدی بود که تنکابنی او را در این زمینه دارای ید طولایی دانسته است.

۲. نراقی در حوزه علمی عتبات

وجود عالمان طراز اول در شاخه‌های مختلف علوم اسلامی در عراق، باعث شد

نراقی، پس از فراگیری حکمت و دانش‌های فلسفی در اصفهان، در ادامه تکمیل تحصیلات خود به آن سرزمین مسافرت کند. در آن دوره، عالمی مانند وحید بهبهانی که نقش مهمی در از میان بردن صولت و قدرت اخباریان داشت، در عراق بود (ر.ک: دانشنامه جهان اسلام، ۳۸۷/۱۴) که نراقی از محضر او بهره‌های فراوانی گرفت.

نراقی در کربلا علاوه بر استفاده از محضر بهبهانی، از شیخ یوسف بحرانی – صاحب کتاب *حدائق الناضرة* – نیز دروس خارج فقه و حدیث، اصول و فقه را آموخت، به طوری که بحرانی از مشایخ قرائت و اجازه او در حدیث محسوب می‌شد. (لباب الالقاب، ص ۹۳)

در یک نگاه کلی می‌توان از عالمان ذیل به عنوان اساتید نراقی در حوزه‌های علمی اصفهان و عراق به ترتیب یاد کرد:

ملا اسماعیل خواجه‌ی مازندرانی، ملا مهدی هرنندی، ملا محمد زمان کاشانی، میرزا نصیر اصفهانی (متبحر در دانش ریاضی و فلکیات)، وحید بهبهانی و شیخ یوسف بحرانی.

۳. آثار و تألیفات نراقی

بر اساس گزارش ملا احمد نراقی، فرزند محمد مهدی نراقی، وی حدود ۳۳ کتاب و اثر از خود به یادگار گذاشته است. این آثار در بخش‌های مختلف قابل طبقه‌بندی است:

کتاب *لوامع الاحکام فی فقه شریعة الاسلام*، کتاب *معتمد الشیعة فی احکام الشریعة* – که فرزند او مرحوم ملا احمد نراقی از آن در کتاب‌های *مستند و عوائد الایام* خود فراوان نقل کرده است – جزء آثار فقهی نراقی به شمار می‌رود. (الذریعة، ۱۴۳/۱۰)

در اصول فقه از آثاری مانند *تجريد الاصول*، *جامعة الاصول* و *رسالة فی الاجماع* می‌توان یاد کرد. (همان، ۳۵۱/۳)

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره ششم
بهار و تابستان ۱۳۸۹



در بخش مربوط به حکمت و کلام، از کتاب‌هایی چون *جامع الافکار* (همان، ۱۳۵۶/۵)، *اللمعات العرشیه* در حکمت اشراق، *لمعات الهیه*، *قرة العین* در احکام وجود و ماهیت، *الکلمات الوجیزه*، *مختصر اللمعه*، *انیس الحکما* در معقول، شرح *الشفاء* در الهیات، و *الشهاب الثاقب* در امامت می‌توان نام برد. (همان، ۱۳۳۵/۱۳)

در علم ریاضیات، کتاب‌هایی را مانند *المستقصی* و *المحصل* — هر دو در علم هیئت — توضیح *الاشکال* در شرح تحریر اقلیدس، و رساله‌ای در حساب نوشت.

در علم اخلاق، صاحب کتاب *جامع السعادات* و *جامع المواعظ* است. این اثر تا بدان حد و پایه است که آن را عده‌ای یک اثر جاوید نام نهاده‌اند. (علم اخلاق اسلامی، ص ۲۹) این کتاب که بر مبنای نظریه اخلاقی حد وسط و رد طرف افراط و تفریط به رشته نگارش آمده است؛ از روح و ایمان والای مؤلف وی حکایت دارد. از نظر مرحوم مجتبوی، کتاب *جامع السعادات* ترکیبی است از کتاب‌هایی که در علم اخلاق هم با سبک عقلی و فلسفی و هم با لحاظ جنبه‌های دینی نوشته شده است. (ر.ک: همان، ص ۲۵)

در موضوعات متفرقه نیز، آثاری مانند *محرق القلوب* و *مشکلات العلوم* را نوشته است.

۴. شاگردان نراقی

علامه محقق نراقی شاگردان زیادی داشته است که از میان آن‌ها می‌توان به ملا احمد نراقی، سید محمدباقر شفتی — صاحب *مطلع الانوار* و *تحفة الابرار* و محمد ابراهیم کلباسی — صاحب *اشارات* و *منهاج* — اشاره کرد. (روضات الجنات، ۷/ ۲۰۰-۲۰۳)

۵. بررسی تحلیلی کتاب *مشکلات العلوم*

آنچه راقم سطور در این نوشتار در پی بررسی آن است، گونه‌شناسی مشکلات علمی از دیدگاه نراقی است که در کتاب *مشکلات العلوم* او جلوه‌گر شده است تا از رهگذر آن بر زوایای پنهان شخصیت ذو ابعاد این عالم بزرگ پرتوافکنی شود. شاید در دوران اخیر که موضوع تخصص و ژرف‌نگری در حوزه‌های علمی و

دانشگاهی اهمیت وافری یافته، پذیرش و اعتراف به این مطلب که افرادی هستند که می‌توانند مانند گذشته در همه شاخه‌های علمی، متبحر و به معنای واقعی متخصص باشند، مشکل و یا غیرممکن باشد، اما نمی‌توان از این نکته غفلت ورزید که در سده‌های پیشین دانشمندانی بوده‌اند که به دلیل نبوغ خاص و چند بعدی بودن شخصیت علمی‌شان، در هر کدام از زمینه‌های تخصصی دارای اثر بوده‌اند. علامه نراقی در ردیف این دسته از دانشمندان قرار می‌گیرد و تنوع آثار او از ریاضیات گرفته تا فقه و اصول و کلام، شاهی بر این مدعاست.

باری، کار فردی مانند نراقی در تدوین کتاب *مشکلات العلوم* را باید با کار افرادی نظیر شیخ بهایی در نوشتن کتاب *کشکول* و یا کتاب *خزائن* فرزندش، ملا احمد نراقی قابل مقایسه دانست. با توجه به این مطلب شایسته است ابتدا توصیفی از این کتاب ارائه دهیم.

۶. کتاب *مشکلات العلوم* در یک نگاه کلی

علامه نراقی در مقدمه^۲ بسیار مختصر خود بر این کتاب، پس از حمد و ثنای الهی می‌گوید: «من در این کتاب دوست داشتم مشکلات علوم و پیچیدگی‌های موجود در دانش‌ها و فنون گونه‌گون را از آیات قرآن و احادیث، و برخی نکات مندرج در ادعیه گرفته تا دشواری‌های حکمی، مغالطات منطقی- که عقل آدمی در درک آن فرومی‌ماند- بعضی مطالب مربوط به علم ریاضی، علم هیئت و حساب و هندسه، مسائل طبی، دقایق نحوی، لطایف ادبی نثری و شعری و برخی معماها را بررسی و پاسخ دهم. از این نظر آنچه شایسته عنوانی جامع برای این کتاب است و من آن را انتخاب کردم، عنوان *مشکلات العلوم* است. (ص ۱)

این کتاب فاقد نظم و ساختار منطقی است و معمولاً در قالب بخش و یا فصل و زیرمجموعه‌ها و عنوان‌بندی‌های مرتبط با آن می‌آید. خود مؤلف نیز در ابتدای کتاب به این موضوع اشاره می‌کند. (همان‌جا) اساساً کتاب‌هایی از این نوع، چنین اقتضایی دارد و شاید چنین روشی برای خوانندگان این کتاب‌ها، جالب نیز باشد. بنابراین در

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره ششم
بهار و تابستان ۱۳۸۹



این کتاب هم از تفسیر آیات و احادیث مشکل و هم از مباحث ادبی و شعری و لغوی و هم از نکته‌ها و دقایق ریاضیات و معماگونه و برخی دیگر از مسائل دشوار دینی و غیر دینی سخن به میان آورده است.

این کتاب در اصل دو مجلد است. اولین موضوع در جلد اول این کتاب، با عنوان «فی تفسیر آیه النور» مورد بحث قرار گرفته است. تفسیر این آیه که اساس آن بررسی کلمه «نور» و واژه‌های «زجاجه» و «مشکات» است، از نظر این مفسر دارای هفت نکته اساسی است که با تکیه به اقوال مفسران و اشعار شاعران و برخی آیات دیگر مورد تبیین قرار گرفته است. اما آخرین بحث در جلد اول، بررسی سؤالاتی پیرامون سوره کافرون از جمله رمز تکرار آیه «وَلَا أَنتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ» (۳ و ۵) است.

در جلد دوم این کتاب، حدیث «شر الناس من قامت القيامة و هو حي و اذا مات ثم قامت القيامة فهو خير الناس» به عنوان اولین بحث، و عنوان «تنبيه في الفرق بين السنة و البدعة»، آخرین موضوع مورد بررسی در این کتاب است. بنابراین مباحث آغازین و فرجام هر دو جلد کتاب، مربوط به حوزه و قلمرو دین است.

۷. گونه‌شناسی طرح مشکل از دیدگاه نراقی

موضوعاتی را که نراقی در این کتاب آورده و به نظر وی یک مشکل تلقی شده و یا حداقل سؤال و یا سؤالاتی پیرامون آن مطرح بوده، به چند دسته قابل تقسیم است. یک دسته آیات قرآنی‌اند و دسته دیگر احادیثی که به نظر مؤلف، فهم آن به گونه‌ای دشوار است. مباحث ادبی شامل برخی اشعار و اشکالات لغوی و مسائل صرفی و نحوی و بیانی و معانی نیز نوعی دیگر از مشکلاتی است که در این کتاب بدان پرداخته است.

نگارنده در این مقاله کوشیده است تا با دسته‌بندی و طرح نمونه‌هایی از این گونه مشکلات، دیدگاه نراقی را در توصیف و تحلیل آن‌ها بیان کند.

۷-۱. نمونه‌های آیات مشکل

در این اثر استوار، نمونه‌های نسبتاً قابل توجهی از آیات قرآن مطرح شده که به نظر علامه نراقی فهم آن از نوعی دشواری برخوردار است که نیاز به تفسیر دارد. برای نمونه، ذیل آیه «لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلُهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ» (آل عمران/۱۸۱) نراقی دو پرسش مطرح می‌کند: یک آنکه، کسانی که گفتند «إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ» افرادی بودند مربوط به زمان پیامبر (ص) و این افراد که مخاطب آیه هستند پیامبر را نکشتند. پس چگونه است که در آیه شریفه نسبت قتل به آن‌ها داده شده است؟ پرسش دوم آنکه اساساً قتل انبیا غیر حق است وجه تقیید (غیر حق) دیگر برای چیست؟ نراقی پس از آن در مقام پاسخ برمی‌آید و می‌گوید:

«مخاطبان آیه گرچه مربوط به زمان پیامبر بودند، به طور کلی آن‌ها فرقه‌ای خاص بودند و مرامی مشترک داشتند که ریشه آن در اندیشه‌های همان افرادی به چشم می‌خورد که مرتکب قتل انبیا شدند. به دیگر سخن این افراد (که در زمان پیامبر بودند) گویی به این اعمال رضایت داشتند و لذا نسبت قرآنی به آنان را باید از این منظر در نظر گرفت.» درخصوص اشکال دوم نیز تأکید می‌کند که «قید غیر حق، در واقع تصریح به وصف قبیح فعل این جماعت است.» (مشکلات العلوم، ص ۱۲۱) نمونه دیگر ذیل آیه ۶۱ سوره نحل آمده است. نراقی بعد از طرح آیه مورد نظر دو سؤال می‌کند: یکی آنکه آیه دربردارنده این معناست که حتی کسانی که شرک نورزیده‌اند و ظلم نکرده‌اند ممکن است در اثر ظلم افراد دیگری از بین بروند و یا خدا آن‌ها را هلاک کند. این موضوع چگونه با کریمه الهی که فرمود: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى...» (فاطر/۱۸) قابل جمع است. پرسش دوم اینکه وقتی اجل عده‌ای برسد، بدیهی است که تصور مقدم شدن در آن نمی‌رود پس با این حال مفهوم «ولایستقدمون» چیست؟ نراقی در پاسخ برمی‌آید و مراد از ظلم را در آیه کفر می‌داند و در ادامه «دابه» را نیز به «دابه کافر» از میان انسان‌های کافر تلقی می‌کند. (مشکلات العلوم، ص ۱۱۴)

۲-۷. نمونه‌های احادیث مشکل

بخش قابل توجه دیگری در مشکلات العلوم، شرح احادیث دشوار است. بر اهل تحقیق پوشیده نیست که از دیرباز عالمانی در میان اهل تسنن و شیعه، آثاری را تدوین کرده‌اند که روایات دشوار و یا غریب را معنا و تفسیر کنند. تألیف مختلف الحدیث ابن قتیبه و یا کتاب النهایة فی غریب الحدیث ابن اثیر در میان اهل تسنن و معانی الاخبار صدوق از نمونه‌های این قبیل آثار است. در مشکلات العلوم نیز، بعضی احادیث که معنایی دیریاب و دشوار دارد، توضیح داده شده است. برای مثال، نراقی روایت «نية المؤمن خیر من عمله و نية الکافر شر من عمله» (بحار الانوار، ۶۷/ ۱۸۹) را در کنار روایت «ان المؤمن اذا هم بطاعة کتب له حسنة واحدة و اذا فعلها کتب له عشر حسنات»^۳ مطرح کرده و یادآور شده که روایت اخیر در برتری عمل نسبت به نیت صراحت دارد. به تعبیر او: «و هذا صریح فی ان العمل افضل».

نراقی در ادامه این پرسش را مطرح می‌کند که آیا این دو حدیث با هم تعارض دارند؟ سپس در پاسخ می‌گوید: «مراد از نیت مؤمن، عقاید حق او از قبیل معرفت به خدا و تصدیق اوست و در نیت مفاهیمی مانند قرب و اجتناب از ریا و شرک نهفته است که اینها خود نوعی عمل است.» (مشکلات العلوم، ص ۳۴) وی در نهایت کوشش می‌کند که با توضیح این مطالب عدم تعارض و یا قابل جمع بودن این دو روایت را نتیجه بگیرد.

حدیث دیگر این است: «ان الرؤیا الصالحة جزء من ستة و اربعین جزء من النبوة» (بحار الانوار، ۵۸/ ۱۹۲ با اندکی تفاوت در الفاظ)

محقق نراقی در توضیح این حدیث می‌گوید: «وحی در شش ماه اول از بیست و سه سال مدت نبوت پیامبر(ص) وحی در خواب بوده است، در غیر موارد مربوط به حوزه احکام است و این شش ماه در واقع جزیی از ۴۶ جزء نبوت از مجموع همان ۲۳ سال نبوت پیامبر(ص) است.» (مشکلات العلوم، ص ۱۰۸)

در حدیث «شر الناس من قامت القيامة و هو حی و اذا مات ثم قامت القيامة فهو

خير الناس» (تفسير روح البيان، ۱۰/ ۲۴۹) که یک حدیث عرفانی است، مراد از موت را موت ارادی و بر اساس روایت «موتوا قبل ان تموتوا» (بحار الانوار، ۹۶/ ۳۱۷) قابل تفسیر و در نهایت این مرگ ارادی را به معنای قطع لذات و تزکیه نفس می‌داند. (مشکلات العلوم، ص ۱۲۰)

۷-۳. مشکلات ریاضی

بخش بسیار مهمی از کتاب نراقی در کنار آیات مشکل و روایات غریب، موضوعات ریاضی است. با بررسی دقیق این کتاب معلوم می‌شود عناوینی مثل «اشکال هندسی، سؤال حسابی، سؤال متعلق به علم الهیه، مثلثات عناصریه، عطیات کواکب» در بخش مربوط به ریاضیات این کتاب قرار می‌گیرد. برخی از عناوینی که با «معما» از آن یاد شده نیز در همین بخش قرار می‌گیرد.

در عناوین «سؤال حسابی» گاهی پرسش‌ها به زبان فارسی است و گاهی به زبان عربی، که شایسته است برخی نمونه‌های آن را ذکر کنیم. در جایی نراقی این سؤال را مطرح کرده است:

اگر سؤال کنند که هشت کس داخل محلی شدند چند احتمال در ترتیب نشستن ایشان متصور است. وی می‌گوید: چهل هزار و سیصد و بیست احتمال متصور است (همان، ص ۴۲) و سپس پاسخ خود را توضیح می‌دهد.

در جایی دیگر این سؤال را مطرح می‌کند: کدام دو عدد است که چون از آن نصف نقصان آن کم کنی و از باقی ثلث و از باقی ربع و از باقی خمس و از باقی سدس، هشت بماند؟ (همان، ص ۱۹۹) در پاسخ ابتدا مقدمه‌ای مطرح می‌کند و پس از آن به تفصیل پاسخ می‌دهد. (برای نمونه‌های دیگر ر.ک: همان، ص ۴۹، ۹۲، ۱۴۹، ۲۳۴)

در بخش اشکال هندسی، در جایی به موضوع زاویه حاده از دایره و خط مماس، و دیدگاه اقلیدس در این زمینه می‌پردازد، در جایی دیگر ذیل عنوانی به نام تضعیف مکعب، و در عنوان توضیح عبارت معلم ثانی به تساوی زوایای مثلث اشاره می‌کند و ضمن طرح سؤال‌هایی به طور مبسوط به آن می‌پردازد. (ر.ک: همان، ص ۲۴، ۵۶،

۶۵، ۸۵، ۸۸ - ۸۹) توجه به مباحث مربوط به علم هیئت و نجوم نیز، جایگاهی ویژه در این کتاب به خود اختصاص داده است. در جایی در کتاب خود در یک بحث مربوط به علم هیئت چنین گفته است: «اگر پرسند از قراری که مهندسین استخراج کرده‌اند، نصف قطر تدویر زهره چهل و سه درجه و ده دقیقه است، به اجزایی که نصف قطر حاصل آن به اجزا شصت درجه است و همچنین نظر به استخراج ایشان، نصف قطر تدویر مریخ، سی و نه درجه و چهل و سه دقیقه است، به اجزایی که نصف قطر حامل آن به آن اجزا شصت درجه است و چگونه می‌تواند شد و حال اینکه نصف قطر حامل عبارت از خطی است که از مرکز آن اخراج شود تا محیط آن...»

آن‌گاه به تفصیل در مقام پاسخ برمی‌آید و از جمله می‌گوید: «بنای استخراج ایشان بر هیئت مسطحه است که مبنی است بر مجرد دوائر و جسمیت و اثخان در آن مأخوذ نیست.» (همان، ص ۲۲۹، برای نمونه‌های دیگر ر.ک: ص ۲۷۷ و ۲۷۸)

بررسی و تحلیل

یکی از مکتب‌های نجومی در جهان اسلام، مکتب نجومی مراغه است که به اهتمام حکیم، ریاضیدان و منجم بزرگ جهان اسلام خواجه نصیرالدین طوسی بنیانگذاری شده است. به گفته یکی از محققان این مکتب و اندیشمندان وابسته به آن، نقدهای جدی بر اخترشناسی بطلمیوس (معتقدان به تفکر زمین مرکزی) داشته‌اند. (ر.ک: مجموعه مقالات کنگره فاضلین نراقین، ج ۱، ص ۳۸۰) نراقی از پیروان این مکتب در زمینه نجوم و علم هیئت به شمار می‌رود. از یک جنبه، وی در ادامه کار افرادی مانند ابن هیشم (متوفی ۴۳۲) ابن رشد (متوفی ۵۹۱)، قطب‌الدین شیرازی (متوفی ۷۱۰ یا ۷۱۶) غیاث‌الدین جمشید کاشانی، تکمیل‌کننده زیج ایلخانی و پدید آورنده زیج خاقانی، زیج تسهیلات و بناکننده رصدخانه در زمان الغییک، ملا علی قوشچی (متوفی ۸۷۹) در این زمینه مطرح است. قبول این نظر فرع بر صاحب نظر بودن علامه نراقی در علم هیئت است. پیش از این از برخی آثار این اندیشمند در زمینه نجوم و هیئت یاد کردیم. از کتاب مهم او *المستقصی* نباید غفلت

ورزیم که تأثیر تألیفات وابسته به مکتب مراغه در آن به خوبی آشکار است. دیگر کتاب او یعنی *المفصل* نیز که در آن مباحث مربوط به کره زمین، طول و عرض آن، بررسی سایه زمین و تقسیم آن به ۷، ۱۲، ۶۰ قدم و انگشت آمده است، بیانگر تبحر وی در زمینه علم هیئت است. (همان، ص ۳۸۴-۳۸۶)

از آنجا که بسیاری از احکام شرعی و عبادی به نحوی با علم هیئت و نجوم وابسته است، رمز اهتمام و رویکرد برخی عالمان نظیر محقق و علامه بزرگ مرحوم محمد مهدی نراقی آشکار می‌شود. کافی است توجه کنیم که احکامی مانند نماز، روزه، وقت‌شناسی آن‌ها و قبله‌شناسی و جهت‌یابی (به‌ویژه در خصوص نماز)، هلال‌شناسی (استهلال) تا چه حد به علم هیئت وابسته است. نیز مسائلی مانند خسوف و کسوف و احکام مترتب بر آن با نجوم و هیئت مربوط است. از اینجاست که می‌توان دریافت که چرا نراقی تا بدین حد مسائل ریاضی و موضوعات مرتبط با هیئت و نجوم را در کتاب *مشکلات العلوم* بازتاب داده است.

۷-۴. مشکلات و موضوعات مربوط به ادبیات

در این قسمت از کتاب نراقی، موضوعات مختلفی مانند اشعار عربی و فارسی، مشکلات صرفی و نحوی، لغت‌های دشوار و برخی مطالب مربوط به معانی و بیان و بدیع به چشم می‌خورد. برای نمونه، در بخش شعر عربی آورده است:

مالی اری جلبا سوقا و لست اری سوقا و مالی اری سوقا و لا جلب

(همان، ص ۲۴)

نراقی، خود تصریح می‌کند که در این شعر نوعی دشواری وجود دارد و می‌گوید: «هذا الشعر مما عد حله من المشكلات». به نظر این محقق، دشواری در معنای الجلب و سوقا است. به نظر او، معنای سوق اول با سوق دوم و سوم متفاوت است.

نمونه دیگر این شعر است:

لا یكون المهر عیرا لا یكون المهر مهر

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره ششم
بهار و تابستان ۱۳۸۹



نراقی با معنا کردن «مهر» (با ضم میم) به معنی ولد فرس، و «العیر» که با فتح عین یعنی حمار و با کسر عین یعنی ابل، می‌گوید: «معنی مصرع الاول ظاهر و قوله لایکون فی المصراع الثانی تأکید لقوله لایکون فی المصراع الاول و قوله المهر مهر مبتدا و خبر.» (همان، ص ۶۳)

برخی دیگر از این دشواری‌ها که ذیل این عنوان مطرح است، اشعار فارسی است، و بیشتر اشعار نیز متعلق به خاقانی است. شاید بیش از چهل مورد از اشعار فارسی که در این کتاب آمده و نراقی به حل دشواری‌های آن اقدام کرده، اشعار خاقانی است. به این شعر دقت کنیم:

مریم آبستن است لعل تو از بوسه، باش

تا به خدایی شود عیسی تو متهم

نراقی خود به معنای این شعر می‌پردازد و می‌گوید: «معنی بیت این است که لعل تو، یعنی لب تو که شبیه به مریم است، چون آبستن است از بوسه تو، بگذار که آن بوسه اخذ شود تا آن بوسه تو که شبیه به عیسی است، احیای اموات کند و متهم به خدایی شود.» (همان، ص ۷۷)

نمونه دیگر این شعر است:

منم معلول بی‌علت که علت گشته پیوندم

ازل فرزند من باشد ابد فرزندم

نراقی، اوصاف مذکور در این شعر را اوصاف معلول اول که عقل کل باشد، می‌داند. (همان، ص ۸۲)

در خصوص موارد و یا دشواری‌های صرفی می‌توان به دو نمونه اشاره داشت. یکی موضوع تصغیر جمع به‌ویژه جمع قلت است که در بررسی و پاسخ آن به طور مبسوط بحث کرده است. دیگری نیز به مناسبت بحث تصغیر عبد که عبید یا عؤید می‌شود را مورد تحلیل قرار داده است. (همان، ص ۷۷ و ۱۷۹)

در زیرمجموعه مباحث مشکل ادبی، از ذکر دشواری‌های نحوی و راه حل آن نیز

سخن به میان آمده است. برای نمونه در جایی از کتاب از این موضوع یاد شده که آیا وقوع جمله انشائیة می‌تواند خبر مبتدایی قرار بگیرد؟ (همان، ص ۴۳) پس از ذکر پاسخ صاحب‌نظران نحوی همچون دیدگاه کوفیان، جواب مبسوط خود را می‌دهد و جواز را از آن نتیجه می‌گیرد. نمونه دیگر، تعیین عامل در حال مؤکد بعد از جمله اسمیه است که بین کوفیان اشکال ایجاد کرده است. او در پاسخ به این‌چنین اشکال‌ها به طور ضمنی، دیدگاه ابن مالک را پذیرفته و راه حل اشکال مذکور را پاسخ وی تلقی می‌کند. (همان، ص ۱۴۲)

در خصوص مباحث معانی و بیان نیز مرحوم علامه نراقی در این کتاب به نکاتی پرداخته است. طرح این قبیل موضوعات نیز بیانگر اشراف وی در حوزه مسائل ادبی و بلاغی است. برای مثال در جایی شعری را از ابوتمام آورده و ابتدا از نوع تشبیه و یا استعاره به کار رفته در آن، سؤال کرده و سپس پاسخ آن را داده و بدین ترتیب نوعی مشکل یا مسئله بیانی را حل کرده است:

لا تسقنی ماء الملام فانی صب قد استعذبت ماء بکایی

نراقی درباره نوع تشبیه و یا استعاره به کار رفته در این شعر، اقوال گوناگونی گفته است از جمله اینکه ممکن است این شعر دارای استعاره مکنیه تخیلیه باشد در صورتی که ملام به ظرف شراب مکروه تشبیه شده باشد. قول دیگر، حکایت از تشبیه به کار رفته در شعر دارد نه استعاره. (همان، ص ۸۱) مورد دیگر شایسته ذکر در این موضوع، بحث از انواع تشبیه به اعتبار طرفین است که نراقی آن را به چهار نوع تقسیم کرده و در این باره از مقولاتی مانند تشبیه ملفوف، مفروق، تسویه و جمع نام برده است. (همان، ص ۹۴)

۷-۵. مشکلات فقهی

در این کتاب، برخی مشکلات مسائل فقهی نیز مطرح شده که بالطبع برای بسیاری از افراد در فهم این قبیل موضوعات دشواری‌هایی وجود دارد. برای مثال در ذیل عنوان «قضاوت امام علی (ع)» آمده است: «مروی است هفده شتر میان سه کس

مشترک بود، ایشان به خدمت علی(ع) رسیدند و عرض کردند که ثلث شتران از یکی است و تسع از یکی و نصف از یکی و می‌خواهیم شما این شتران را به این طریق قسمت کنید بی‌کسر. حضرت شتری طلبد از خود آن را بر هفده افزود تا هجده شد، پس ثلث آن را که شش بود به صاحب ثلث داد و نصف آن را که نه باشد، به صاحب نصف داد و تسع آن را که دو باشد به صاحب تسع داد و یکی باقیمانده بود که شتر خود ضبط نمود. (همان، ص ۹۰) نراقی پس از طرح این جریان تاریخی به تحلیل سؤال و تبیین پاسخ امام علی(ع) می‌پردازد، و به عبارت دیگر، پرده از دشواری‌های پرسش و پاسخ برمی‌گیرد.

نمونه دیگر را این‌گونه ذکر می‌کند که زنی فوت شده و وارث او منحصر در شوهری و پدری و مادری و بعد ادامه می‌دهد هر کدام از مال او چیزی غارت کردند و بعد حاکم شرع آن‌ها را طلبد و به ترتیب نصف و ثلث و سدس مال را از آن‌ها گرفت. و پس از آن سؤالی را به این ترتیب مطرح می‌کند:

«در این صورت مجموع ترکه چند می‌شود؟ و هریک چقدر به غارت برده بودند که بعد از رد و قسمت مذکور هریک به حصه خود رسیدند؟ نراقی پس از طرح مشکل به تفصیل به پاسخ می‌پردازد و مجموع ترکه را ۲۸۲ می‌داند و» (همان، ص ۹۱)

۸. دسته‌بندی مآخذ مورد استفاده علامه نراقی در این اثر

چنان‌که دیدیم نراقی در این کتاب، مشکلات و دشواری‌هایی در پیوند با برخی دانش‌ها را مطرح و تلاش کرده است به فراخور مطلب، پرده از این دشواری‌ها برگیرد. بدون تردید وی در این پاسخ‌ها ضمن اتکا به نبوغ و دانش ذاتی خویش، که قابل انکار نیست، گوشه‌ای و یا نظری به برخی آثار بزرگان نیز داشته و از آن‌ها به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بهره برده است. شایسته است در حوزه‌های مختلف برخی منابع را که مورد استناد این محقق بوده است، ذکر کنیم.

- منابع تفسیری و حدیثی

از جمله منابع مهم تفسیری اهل تسنن که نراقی از آن استفاده کرده، یکی تفسیر کشف زمخشری (ص ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۸۰) و دیگری تفسیر بیضاوی است. (ص ۱۰۹ و ۲۳۳) در میان تفاسیر شیعی نیز از تبیان شیخ طوسی (ص ۵۳) در مواردی بهره برده است. استفاده از این منابع نشان می‌دهد که علامه نراقی در میان مآخذ تفسیری خود، بیشتر به تفاسیری نظر داشته از امتیازاتی چون جنبه‌های بلاغی و ادبی برخوردار بودند و این دقیقاً نکته‌ای است در راستای رویکرد اصلی مضامین کتاب مشکلات العلوم، زیرا معمولاً در این تفاسیر نیز جنبه‌های دشواریاب کلمات و آیات الهی با تأملات خاصی پیگیری می‌شود. برای مثال وقتی ذیل آیه ۱۰۹ سوره اسراء (وَيَخْرُونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا) می‌خواهد در معنای بخشی از این آیه بگوید، به این نکته می‌پردازد که چرا در آیه به کلمه ذقن تصریح شده است؟ در بین مفسران، تعداد اندکی مانند زمخشری و بیضاوی، به راز و رمز موجود در این کلمه پرداخته‌اند. نراقی با یادکرد این نکته و ذکر اجمالی پاسخ این مفسران، به تفصیل به این دقیقه می‌پردازد و می‌گوید: «ذکر این کلمه به نحوی در راستای تأکید مبالغه در سجده و به خاک افتادن برای خداست، زیرا معمولاً در سجده، چهره و بینی انسان زودتر به خاک می‌رسد تا ذقن (اذقان). پس حکمت وجود ذقن چیزی نیست جز اوج خاکساری انسان و این یک نکته بلاغی در این آیه است. پیداست آن دسته از تفاسیری که به این جنبه‌ها می‌پردازند و پرده از دشواری‌های چنین آیاتی برمی‌گیرند، مانند تفاسیر مورد اشاره مورد توجه نراقی بوده است.

نمونه دیگر، بحث از صفت «سمان» در آیه شریفه «وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ» (یوسف: ۴۳) است که آیا سمان صفت «بقرات» است و باید به صورت سماناً خواند یا وصفی است برای سبع، آیا در این دو صورت، معنا تفاوت خواهد کرد؟ نراقی با استناد به تفسیر کشف، این نکته را بررسی و در کتاب خود پاسخ داده است. (ص ۱۸۰)

فصلنامه
کاشان‌شناخت
شماره ششم
بهار و تابستان ۱۳۸۹



در میان منابع حدیثی، علاوه بر کتب اربعه حدیثی شیعه از آثاری دیگر مانند *عیون اخبار الرضا*، *معانی الاخبار* و *قرب الاسناد* حمیری نیز در این کتاب استفاده کرده است. این احادیث گاهی به صورت سند کامل است و زمانی مستقیم از زبان معصوم نقل شده است. آنچه در این بخش شایسته بررسی است توجه فراوان نراقی به احادیث دشوار معانی الاخبار است. برای نمونه، نراقی از دشواری‌های دو روایت «الفخر بالانساب و الطعن فی الاحساب و الاستسقاء بالانواء» از امام باقر(ع) و «انا الفتی بن الفتی اخو الفتی» از پیامبر(ص) - که هر دو در *معانی الاخبار* صدوق آمده است - سخن گفته است. (ص ۳۰۳)

در برخی موارد، خود عنوان‌ها هم نشان دهنده دشوار بودن حدیث است مانند «بیان تفسیر الحدیث» و یا حدیث مشکل. (ص ۳۰۹ و ۳۱۷) پیداست که در این قبیل احادیث اگر روایت تبیین نشود، فهم درست و استواری از آن نخواهیم داشت. به عبارت دیگر با تکیه بر معنای تحت اللفظی واژگان نخواهیم توانست در درک معنای روایت توفیق داشته باشیم. مانند این حدیث از رسول اکرم(ص): «من خاف ادلیج و من ادلیج بلغ المنزل» که نراقی برای این حدیث سه معنا ذکر کرده است از جمله: کوشش در عبادت در روزگار، عبادت شبانه، نفس جدیت در کار و تحمل مشکل (ص ۳۱۷) این در حالی است که محقق با مراجعه به برخی کتب شرح حدیث مانند *مجمع البحرین*، ملاحظه می‌کند که فقط به یک معنا اکتفا شده است. (مجمع البحرین، ربع الثانی، ص ۴۸)

نتیجه‌گیری

مولا مهدی نراقی، از عالمان برجسته سده دوازدهم هجری و ابتدای قرن سیزدهم، جامع علوم معقول و منقول بوده که بیشتر آثار وی، به نحوی این جامعیت و شمول را نشان می‌دهد.

- طرح مشکلات علمی از نظر نراقی، ابعاد و جنبه‌های مختلفی را شامل شده که به نحوی با دانش و تخصص هر عالمی ارتباط دارد.

- بیشترین مشکلات علمی، در ابعاد و جنبه‌های دینی، ادبیات و ریاضیات مجال
بروز و ظهور یافته است.

- نراقی مشکلات علمی را بعضاً با ابتکارات خود و در سایر موارد، با توجه به
پاسخ‌هایی که بسته و پراکنده در آثار تفسیری، حدیثی، ادبی و کتاب‌های ریاضی
مطرح بوده، جمع‌آوری و دسته‌بندی کرده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. حکیم پرآوازه‌ای که در کلام و فقه و حدیث و تفسیر تبحر داشت و از استادان برجسته مسلم فلسفه در آن روزگار محسوب می‌شد.
۲. هر چند با عنوان مقدمه نیامده است.
۳. البته الفاظ این روایت در منابع حدیثی، اندکی با روایت وارد شده در مشکلات العلوم متفاوت است، اما مضمون یکی است. (ر.ک: کافی، ۴۲۸/۲)

منابع

- بحار الانوار؛ محمدباقر مجلسی، مؤسسة الوفا، بیروت، بی تا.
- دانشنامه جهان اسلام؛ زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، ۱۳۸۹.
- الذریعه الى تصانیف الشیعه؛ آقا بزرگ تهرانی، نشر اسماعیلیان، قم، بی تا.
- روح البیان؛ اسماعیل حقی بروسوی، دار الفکر، بیروت، بی تا.
- روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات؛ محمدباقر ابن زین العابدین خوانساری، مکتبه اسماعیلیان، قم، بی تا.
- علم اخلاق اسلامی (گزیده جامع السعادات)؛ مولا مهدی نراقی، ترجمه و گزینش جلال الدین مجتبی، چاپ دوم، انتشارات حکمت، تهران، ۱۳۶۹.
- قصص العلماء؛ میرزا محمد بن سلیمان تنکابنی، کتابفروشی علمیه اسلامی، تهران، بی تا.
- کافی؛ محمد ابن یعقوب کلینی، دار الکتب الاسلامی، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- لباب الالتاب فی القاب الاطیاب؛ ملا حبیب الله شریف کاشانی، به اهتمام ابراهیم خوشگذران و اسدالله مرادی، چاپ دوم، بی تا، قم، ۱۳۷۲ ش.
- مجمع البحرین؛ فخرالدین طریحی، به کوشش محمود عادل، چاپ سوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.
- مجموعه مقالات کنگره فاضلین نراقیین؛ بی جا، ۱۳۸۲.
- مشکالات العلوم؛ محمد مهدی نراقی، به کوشش حسن نراقی، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷ ش.